

رمان‌های بزرگ دنیا / ۹

تاریک‌ترین زندان

نوشته

ایوان اولبراخ

ترجمه

محمد قاضی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۹

Olbracht, Ivan.

اولبراخت، ایوان، ۱۸۸۲-۱۹۵۲ م.

تاریک‌ترین زندان / نوشته ایوان اولبراخت؛ ترجمه محمد قاضی. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.

۲۲۵ ص.

رمان‌های بزرگ دنیا؛ ۹.

ISBN 978-964-۰۰-1321-2

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب حاضر در سال‌های متفاوت توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

چاپ پنجم.

۱. داستان‌های چک -- قرن ۲۰ م. الف. قاضی، محمد، ۱۳۷۶-۱۳۹۲، مترجم.

۱۳۸۹ ۲ ۸ الف/۵۰۲۸ PG

۸۹۱/۸۶۳۵۲

۲۰۶۵۸۹۰

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۳۲۱-۲



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، پیدان انقلاب، صندوق پستی: ۱۳۶۵۴۱۹۱

تاریک‌ترین زندان

© حق چاپ: ۱۳۴۶، ۱۳۸۹، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: پنجم (ویراست جدید)

نویسنده: ایوان اولبراخت

مترجم: محمد قاضی

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: کامپیوست ۱۴ روی ۱۸ پوینت

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان ابن‌سینا (بهار باغ)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰

بها: ۳۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

بکنواختی زندگی کوران گاه به گاه به عنایت
روشنی افکاری که در مغزشان می تابد از میان
درد و چه بسا که تاریکی های بیرون عالم
کوری بلای سنایی های درونی زایل می گردد.
و سی حال تاریک ترین زندان هاست! حسد یک
ظلمت بیرونی نیست بلکه تاریکی درونی است
و توفانی را افکار در سداآلود برخیزد
همه چیز را در هم می جوید. عقل و اراده و
احساس را از شخص می گرداند و او را در
زندانی مخوف و تاریک قرار می دهد که هیچ
راهی برای خارج شدن از آن وجود ندارد.
شارل صاخ کسی که می خواست به مردم
خدمت کند در چنین گردابی فرو می رود.

مقدمه^۱

ایوان اولبراخت^۲ نام واقعی او کامیل زمان^۳ است در ششم ژانویه سال ۱۸۸۲ در یکی از شهرهای کوچک بوهم شمال شرقی واقع در دامنه کوه‌های کرونوچ^۴ (جبال غولان) پا به عرصه وجود نهاد. زادگاه اولبراخت سرنوشتی است که روزگاری در آن دو ملیت مختلف و دو طبقه کاملاً متفاوت و مغایر در مقابل هم قرار داشتند، یکی طبقه سرمایه‌داران بنز و به آلمانی بودند و دیگر طبقات متوسط و فقیر اجتماع که از آنجا که به‌شمار می‌رفتند. خانواده اولبراخت از کوه‌نشینان قدیم و آلمانی است که در میان افراد آن روح مبارزه علیه اشغالگری‌ها و آلمانی‌ها در کشور چکوسلوواکی و حس رحمت و شفقت نسبت به ستم‌دیدگان قوم یکی از سنن و شعایر ایل و باستانی است.

۱. این مقدمه با استفاده از مقدمه ژ. او کوریه مترجم فرانسوی کتاب تهیه شده است.

2. Ivan Olbracht

3. Kamil Zeman

4. Kerkonoche

یکی از اعمام ایوان اولبراخت در سال ۱۸۴۸ به جرم شرکت در شورش هموطنان خود علیه اتریشیان به دار آویخته شد و عموی دیگرش در یکی از اعتصاب‌های اولیه کارگران کارخانه‌های نساجی چکوسلواکی به ضرب گلوله زاندارم اتریشی از پای درآمد.

پدر ایوان اولبراخت، آنتال ستاچک^۱ که خود مردی ادیب و دانشمند بود، مؤلف یک سلسله داستان‌های ممتاز راجع به زندگی مردم و مبارزات آنها چکوسلواکی در آن گوشه از سرزمین اجدادی است.

سوزنا مایرژوا^۲ بانو هلنا مالیرژوا^۲ نیز مانند شوهر خویش نویسنده معروف نام‌نگار است.

اولبراخت پس از اتمام تحصیلات خود که قسمت اعظم آن را در وین پایتخت اتریش انجام داد، عضو حزب سوسیال دموکرات چکوسلواکی شد و پس از استقلال ناپدید شدن جنگ جهانی اول با وجود مخالفت سران حزب به صف انقلابی‌ها پیوست و تسلط امپراتوری اتریش - هنگری بر سرزمین اجدادی چک را پیوست و به مبارزه نهانی و جسورانه‌ای علیه عمال امپراتوری مشغول گردید. پس از خاتمه جنگ جهانی اول که اولبراخت به سبب بیماری ناشی عملاً در آن شرکت نداشت و اسلحه به دست نگرفت، در سال ۱۹۲۰ سفری به اروپای شرقی کرد و روح و فکرش برای نوشتن رمان‌های که بعدها به رشته تحریر کشید، غنی شد.

اولبراخت بعداً یکی از عمال مهم کشوری و کمونیستی از روزنامه‌نگاران عالی‌قدر و بنام چکوسلواکی شد و در واقع شاهد و حرقه او بیشتر روزنامه‌نگاری بود نه رمان‌نویسی و داستان‌سرایی.

1. Antal Stachek

2. Helena Malirjová

ایوان اولبراخت که بی‌شک یکی از اساتید مسلم نثر زبان جدید چکوسلواکی است در سی‌ام دسامبر ۱۹۵۲ بدروود زندگی گفت.

کتاب حاضر، تاریک‌ترین زندان، یک اثر روانی و زیبایی اولبراخت است که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، و در آن قدرت خلاقه نویسنده در کاوش تاریکی‌های روان آدمی به‌خصوص در قسمتی که به مشکلات و پیچیدگی‌های روابط خانوادگی و زناشویی مربوط می‌گردد به حد کمال رسیده است. اولبراخت خود گفته است که این کتاب را بیشتر از این نظر که جنبه شخصی و انفرادی دارد و در آن مسائل سیاسی کمتر مطرح شده است از سایر آثار خود کمتر دوست می‌دارد. اولبراخت روح هنری و قدرت قلم و فکر او در این اثر به حد اعلی است.

اولبراخت کمتر می‌پسندد به قول خود تا فکری به مغزش نیفتد و خواب و آرام بر او حرام نکند. البته دست نمی‌گیرد.

شیوه نگارش اولبراخت محکم و شیوا و کامل است و بیشتر تحت تأثیر نوشته‌های بالزاک و داستایوسکی قرار دارد (چنان‌که تأثیر آن دو نویسنده بزرگ در کتاب تاریک‌ترین زندان کاملاً محسوس است). اولبراخت در آثار خود که اکثراً اجتماعی است محیط و شرایط مبارزات مردم را که خود نیز در آنها سهیم بود اما به‌جسم نمی‌نماید و آثار ادبی و روانی که فقط جنبه هنری آن‌ها منعکس می‌شود کمتر دارد. و شاید به همین دلیل باشد که او کتاب حاضر را به حق زیبا و استادانه است از آثار دیگر خود کمتر می‌پسندد.

آثار دیگر اولبراخت عبارتند از: *آوارگان وحشی* (۱۹۱۳) که سرگذشت پرماجرا و اندوهبار بازیگران ولگرد سیرک‌های سیار است، و دوستی عجیب ژرزیوس بازیگر (۱۹۱۹) که شرح مبارزات



مخفیانه مردم چکوسلواکی علیه اتریشیان در زمان جنگ جهانی اول است و سرگذشت آن^۱ دخترک مبارز (۱۹۲۸) که آن نیز داستانی اجتماعی است. دیگر از آثار او کتابی است به نام نه قصه شاد بخش از دوران اتریش و جمهوری که در سال ۱۹۲۸ نوشته است و کتاب دیگری به نام زندگی در زندان‌ها که تا حدی شرح حال خود اوست.

با آنکه بیشتر آثار اولبراخت اجتماعی است ولی در همه آن‌ها به خصوص در سرگذشت آن دخترک مبارز بحث‌های روانی بسیار دقیق و عمیق به سببی بار ساده وجود دارد و اصولاً تحقیق روانی یکی از مشخصات برجسته آثار او به شمار می‌رود. این تحقیق روانی در کتاب تاریک‌ترین زندان نیز به سبباً عریان و بی‌پیرایه است و کم‌کم از صورت هزل و مطایبه به صورتی مؤثر و هیجان‌انگیز درمی‌آید چنان‌که می‌توان تاریک‌ترین زندان را عمیق‌ترین اثر هنری اولبراخت دانست.

این کتاب به آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، روسی و چک ترجمه شده و همواره با توفیق و استقبال روبرو گردیده است، و اینک ترجمه آن به فارسی قدمی در راه شناساندن ادبیات چک به ایرانیان است تا مگر دیگران نیز در این راه گامی بردارند.

محمد باغ